

مقاله پژوهشی

ارائه تعریف عملیاتی سبک‌شناسی معماری ایران با رویکرد حفاظت معماری (استخراج شاخص‌های سبک‌شناسی بر اساس معماری مسجد)

زینب مرادی^۱، رضا ابوی^۲

۱- مربی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

۲- دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

(این مقاله برگرفته از رساله دکتری زینب مرادی با عنوان «انشای معیارهای سبک‌شناسی معماری مساجد ایران (راستی آزمایی بر روی مساجد خراسان منسوب به قرون ۷ و ۸ هـ.ق)» به راهنمایی دکتر رضا ابوی و دکتر هادی ندیمی است که در دانشگاه هنر اصفهان انجام پذیرفته است)

چکیده

یکی از معضلات عمده مرمت ایران در نزد برخی مرمت‌گران حال حاضر را می‌توان عدم توجه به اهمیت شناخت معماری دانست. یکی از دلایل اصلی این عامل می‌تواند فقدان رویکرد مشخص، منطقی و کاربردی در شناخت معماری در یک پروژه مرمتی باشد. در فرآیند شناخت معماری با سطوح مختلفی مواجه هستیم این شناخت لایه‌لایه تنها زمانی به هرج‌ومرج منجر نخواهد گشت که از الگویی روشمند پیروی کند. مقاله حاضر در میان الگوهای گوناگون، سبک‌شناسی را مدنظر قرار داده است. بر اساس تعریف ارائه‌شده از سبک‌شناسی، در راستای عملیاتی شدن آن سعی شده گام‌هایی قابل‌اجرا پیشنهاد شود. با بررسی بنا در حوزه‌های گوناگون شناخت، ویژگی‌های آن تحت عنوان مؤلفه، شناسایی می‌شوند. از تحلیل مؤلفه‌ها، شاخص‌ها استخراج‌شده که معیاری برای تعیین سبک خواهد بود. به دلیل گسترده بودن حوزه مطالعه، این مقاله شاخص‌ها را بر اساس معماری مسجد استخراج نموده است. سامانه جستجوی پژوهش کیفی و راهبرد این مسیر تفسیرگرا است. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و میدانی، به صورت تطبیقی صورت گرفته، به این ترتیب که با رصد تعاریف و دیدگاه‌ها در مورد سبک از سویی و نظر به بناهای تاریخی، سعی در بازبینی و تبیین تعریف آن داشته است. از نظر هدف، این پژوهش را می‌توان از نوع نظری-کاربردی دانست. یکی از دستاوردهای مقاله استخراج معیارهای سبک‌شناسی مطالعات هنر و معماری از گذشته تا امروز در شش گروه است. از سوی دیگر تبارشناسی سبک نشان داد که این مفهوم یک مفهوم اعتباری است که در راستای هدف می‌تواند تعریف نظری و عملیاتی مشخص داشته باش؛ بنابراین سبک می‌تواند بر اساس وضعیت حال حاضر بنا مشخص شود تا کمکی باشد در تصمیم‌گیری‌های حفاظت. با این رویکرد برای مسجد، هشت شاخص پیشنهاد شد: فضاها، نقش شهری، مداخلات، ساختمانی، تکنولوژی ساخت، آرایه‌ها، فرم‌ها و سامان‌بندی عناصر و فضاها. این شاخص‌ها به عنوان ابزاری برای شناسایی سبک‌ها به کار گرفته می‌شوند.

تاریخ دریافت:

۱۳ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۷ فروردین ۱۴۰۴

کلیدواژه‌ها:

معماری ایرانی،

سبک‌شناسی،

تاریخ معماری،

حفاظت و مرمت معماری،

معماری مسجد

doi : 10.22034/AHDC.2025.20577.1768

E-ISSN: 2645-372X /© 2023. Published by Yazd University This is an open access article under the CC BY 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



۱- مقدمه

عدم توجه به اهمیت شناخت معماری به صورت جامع و کامل در مرمت، به دلیل فقدان رویکرد و روش مشخص، منطقی و کاربردی در شناخت معماری در یک پروژه مرمتی، نزد برخی مرمت‌گران حال حاضر ایران یکی از معضلات عمده مرمت ایران است. شناخت معماری برای حفاظت و مرمت آن قدر اهمیت دارد که این حرفه را با پزشکی مقایسه نموده‌اند و اهمیت این شناخت را با شناخت پزشک از جسم و جان بیمار هم‌تراز دانسته‌اند^۱ (فلامکی، ۱۳۸۷: ۱۷).

جدول ۱: آسیب‌شناسی به منظور هدایت به بیان مسئله. (مأخذ: نگارندگان)

مشکلات (عارضه‌ها)	عوامل مختل	راهکار
- عدم برقراری ارتباط ارزشمند با آثار بجای مانده از ادوار پیشین و بالطبع عدم برقراری ارتباط با بناهای مرمت شده. - تساهل و یکسان‌نگری در مرمت چند بنا در دوره‌ها و سبک‌های متفاوت - جامع نبودن اکثر مرمت‌های انجام شده و فقدان یک برنامه دراز مدت و مستمر. - عدم توجه یا توجه ناقص به معنی و باطن معماری و ارتباط آن با صورت در برنامه‌های مرمتی و تأکید بیشتر به صورت و در نتیجه درک نادرست از اصالت بنا.	- فقدان رویکرد و روش مشخص، منطقی و کاربردی در شناخت معماری در یک پروژه مرمتی. - نبود نقشه جامع و دراز مدت در یک پروژه مرمتی مختص سبک‌های خاص. - عدم شناخت همه‌جانبه از لایه‌های مختلف موضوع و عدم تجمیع شناخت سطوح مختلف که هر کدام با استفاده از روش جداگانه‌ای بررسی شده‌اند توسط رویکردی روشمند.	- یافتن رویکردی که بصورت جامع و کامل منجر به شناخت گردد - رویکردی که به کمک آن جنبه‌های مختلف معماری قابل بررسی و شناختن باشد. پیشنهاد ادبیات این مقاله نشان می‌دهد این رویکرد که مناسب شناخت معماری در حوزه مرمت نیز است می‌تواند سبک‌شناسی باشد.

این مقاله قصد دارد نشان دهد روشی به نام سبک‌شناسی، از آنجایی که شناختی در سطوح مختلف معماری اعم از معنا و صورت^۲ فراهم می‌آورد و توجه به وجوه ناملموس معماری یعنی ماهیت و امور باطنی نیز دارد، الگوی روشمند مناسبی است. «صحبت از سبک یکی از راه‌های صحبت از تمامیت یک اثر هنری است» (سانتاگ، ۱۳۹۹: ۴۵). رویکرد همه‌جانبه‌نگر سبک‌شناسی معماری مزیتی است مخصوصاً برای حفاظت و مرمت معماری که در آن شناخت کامل از معماری قبل و در حین هر نوع مداخله‌ای انتظار می‌رود.

هدف این مقاله را می‌توان تبیین و تعریف سبک‌شناسی معماری ایرانی، برای رسیدن به رویکردی نوین و عملیاتی با تأکید بر حفاظت معماری دانست. مقاله در مسیر عملیاتی شدن سبک‌شناسی سعی دارد معیارهایی را از شاخص‌های سبک‌شناسی پیشنهادی خود معرفی نماید که زمینه را برای مطالعات آینده فراهم می‌آورد. لذا می‌توان با تعاریف نظری و عملیاتی سبک‌شناسی معماری ایران، سبک‌های آن را مشخص نمود و بر اساس آن سبک یک بنا را مورد مطالعه و تشخیص داد و با این شناخت در راستای مداخلات حفاظتی و مرمتی قدم برداشت.

نظام تحقیقات این مقاله میان‌رشته‌ای است زیرا تبارشناسی مفهوم سبک‌شناسی نشان می‌دهد این مفهوم از حوزه زبان‌شناسی و ادبیات وام گرفته شده است و در حوزه‌های گوناگون از فلسفه تا تاریخ هنر جایگاه ویژه‌ای دارد (ندیمی و دیگران، ۱۳۹۸). سامانه جستجوی پژوهش کیفی و راهبرد این مسیر تفسیرگرا است؛ زیرا در پی شواهدی است که گزاره‌های تعاریف موجود از سبک را به چالش بکشد، گزاره‌هایی که از مطالعات نظری و دیدگاه‌های اندیشمندان در این حوزه به دست آمده است؛ بنابراین این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و میدانی، به صورت تطبیقی صورت می‌گیرد؛ به این ترتیب که

با رصد تعاریف و دیدگاه‌ها در مورد سبک از سویی و نظر به بناهای تاریخی سعی در بازبینی و تبیین تعریف آن دارد. از نظر هدف، این پژوهش را می‌توان از نوع نظری-کاربردی دانست.

مسیر پژوهش مقاله چنین است که در آغاز با توجه به هدف، پرسش اول پژوهش، با بررسی منابع تاریخ هنر و معماری و همچنین تعاریف نظری و عملیاتی موجود از آن در مورد سبک و سبک‌شناسی پاسخ داده می‌شود و آنگاه در راستای ارزیابی، تجزیه، تحلیل و بحث به ارائه، شرح و بسط تعریفی جدید از سبک‌شناسی خصوصاً در حوزه حفاظت معماری می‌پردازد. در ادامه کلیدواژه‌ها (اجزا و عناصر) تعریف و مسیر عملیاتی شدن آن مشخص و در انتها چشم‌انداز این مسیر معرفی می‌شود.

پرسش‌های پژوهش

- معیارهای سبک‌شناسی در تعاریف موجود از آن در تاریخ هنر و معماری چیست؟
- با دغدغه حفاظت معماری، تعریف سبک‌شناسی تاریخ معماری ایران چگونه تبیین می‌یابد؟
- در مسیر عملیاتی شدن تعریف مذکور با توجه به گونه مسجد ایرانی شاخص‌های سبک‌شناسی کدامند؟

۲- پیشینه تحقیق

رویکرد سبک‌شناسی در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی و هنر به دو منظور طبقه‌بندی و دوره‌بندی بکار رفته است (ندیمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۷). «نخستین کسانی که به سبک توجه کردند کسانی بودند که به بررسی شیوه‌های سخنوری پرداختند و کسی که در این زمینه نام و اثری از او به‌جامانده ارسطو^۳ است» (غیائی، ۱۳۷۳: ۵۰). «بررسی سبک، تاریخی به قدمت رساله درباره سبک، اثر دیمتریوس^۴ (۱۰۰ ق.م) دارد» (کاتانو، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

تاکنون رویکرد سبک‌شناسی معماری چندان مورد استقبال تاریخ‌نگاران و نویسندگان درباره معماری در ایران نبوده است. باآنکه واژه و مفهوم سبک در معماری ایران در نوشته‌های آن‌ها به چشم می‌خورد (ویلبر، ۱۳۴۶) (پوپ و اکرم‌ن، ۱۳۸۷) (گذار، ۱۳۸۴) (شرودر، ۱۳۸۷) (تجویدی، ۱۳۴۵) (حاتم، ۱۳۷۹) (کیانی، ۱۳۷۹) و یا تعریفی از آن ارائه‌شده (فرشاد، ۱۳۶۲)^۵، اما رویکرد اصلی طبقه‌بندی، بررسی و مطالعه بناهای تاریخی آنان بر اساس سبک نبوده است. تنها محمدکریم پیرنیا را می‌توان به‌عنوان اولین محقق در تاریخ معماری ایران دانست که در دوران معاصر، نظریه را وارد مطالعات تاریخ معماری نمود و بر اساس آن منظومه‌ای کمابیش جامع و دستگاهی کل‌نگر برای شناخت و فهم معماری ایرانی پدید آورد و آن را سبک‌شناسی نامید^۶ (پیرنیا، ۱۳۴۷). نزد پیرنیا سبک، ابزار و روش طبقه‌بندی آثار معماری است. وی اصول پنج‌گانه معماری ایرانی^۷ پیشنهادی خود را به‌عنوان معیاری برای بررسی و ارزش‌گذاری سبک‌های یافته خود بکار می‌برد. (عبدالله زاده، ۱۳۸۹: ۹۳)

پس از پیرنیا مطالعات در باب سبک‌شناسی معماری ایران را می‌توان در دو دسته مشاهده نمود. گروه اول با بررسی و نقد نظریه ایشان سعی در آشکارسازی جایگاه سبک‌شناسی و تعریف و کارکرد آن در مطالعه تاریخ معماری داشته‌اند (قیومی بیدهندی، ۱۳۸۴)، (سلطان‌زاده، ۱۳۹۱)، (قیومی بیدهندی و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱)، (حیدری دلگرم، ۱۳۹۵)، (سیدی ساروی و دیگران، ۱۳۹۷)، (ندیمی و دیگران، ۱۳۹۸)، (معماریان، ۱۳۹۹). گروه دوم بر اساس سبک‌های معماری معرفی‌شده پیرنیا، معماری ایران را موردبررسی قرار داده‌اند (لطفی‌زاده، ۱۳۵۹)، (قبادیان، ۱۳۹۲)، (خاتون‌آبادی، ۱۳۹۴)، (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۶)، (کوشکی و افتخاری، ۱۳۹۵)، (فولادی‌نسب و کهنسال‌نودهی، ۱۳۹۶)، (نیازمند، ۱۳۹۷)، (حیدری و دیگران، ۱۴۰۱). در حوزه حفاظت و مرمت معماری هرچند به اهمیت شناخت معماری اذعان شده (قیومی بیدهندی، ۱۳۸۶)، (گلجانی مقدم، ۱۳۸۴) و یا به نسبت این دو پرداخته شده است (ابوئی و نیک‌زاد، ۱۳۹۶) (نیک‌زاد و ابوئی، ۱۳۹۸)، اما به‌طورجدی در باب مبانی نظری شناخت معماری در این حوزه، مطالعه کامل صورت نپذیرفته است. در خصوص سبک‌شناسی در این حوزه، در ادامه تلاش در بررسی و نقد سبک‌شناسی پیرنیا، اقدامات اولیه‌ای در راستای تبیین مفهوم سبک‌شناسی در حوزه حفاظت و مرمت معماری شده است (ندیمی و دیگران، ۱۳۹۸). نزدیک‌ترین پیشینه به مقاله حاضر را می‌توان مطالعه مذکور دانست؛

ندیمی و دیگران در مقاله خود به تبارشناسی سبک پرداخته‌اند و در حوزه هنر و معماری تعاریف گوناگون را بررسی نموده و نشان داده‌اند سبک‌شناسی به‌عنوان یک زبان بین‌المللی در مطالعه تاریخ معماری می‌تواند در شناخت تاریخ معماری ایران رویکرد مناسبی باشد. مقاله مذکور با به چالش کشیدن تعاریف سبک‌شناسی موجود، تعریف خود را خصوصاً باهدف کاربرد آن در حفاظت معماری ارائه داده اما در شرح آن موفق نبوده و مجالی در تعریف عملیاتی آن نیافته است. پژوهش حاضر تعریف آن مقاله را مبنا قرار داده و سعی در رفع نواقص، تکمیل و پیشبرد آن در راستای عملیاتی شدن آن دارد.

۳- مواد و روش‌ها

در پی پاسخ به پرسش اول پژوهش و استخراج معیارهای سبک‌شناسی در تعاریف موجود به کمک تبارشناسی سبک، دقت در منابع تاریخ هنر و معماری و همچنین بررسی دیدگاه متخصصان در مورد سبک و سبک‌شناسی، در ابتدا تعاریف نظری و عملیاتی موجود از آن بررسی می‌شود.

۳-۱- تعریف نظری و عملیاتی موجود از سبک‌شناسی تاریخ هنر و معماری

۳-۱-۱- واژه سبک

این واژه که در زبان فارسی بکار می‌رود ریشه عربی دارد و مصدر ثلاثی مجرد است به معنی گذاشتن، ریختن و قالب‌گیری کردن زر و نقره (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۱۱). معادل استیل^۸ انگلیسی و آن مأخوذ از لغت استیلوس^۹ یونانی به معنی ستون است. استیلوس در زبان یونانی به‌وسیله فلزی یا چوبی و یا عاج اطلاق می‌شده است که به کمک آن در زمان‌های قدیم حروف و کلمات را بر روی الواح مومی نقش می‌کرده‌اند (بهار، ۱۳۵۵: د).^{۱۰}

۳-۱-۲- تعاریف نظری موجود

در دیکشنری‌های تخصصی ذیل واژه STYLE آمده است: «سبک، دسته‌بندی تعدادی بنای مشخص است که در بسیاری از ویژگی‌ها باهم اشتراک دارند. شامل تشابه: در ظاهر کلی، در چیدمان عناصر اصلی طراحی، در تزئینات، در نوع مصالح ساختمانی، در فرم، مقیاس و سازه. چنین سبک‌هایی معمولاً وابسته به یک دوره خاص تاریخی، سرزمین مبدأ، باورهای دینی و یا معماری ادوار گذشته هستند» (Harris, 1975). «موضوع‌بندی هنر و معماری بر طبق باورهای زیباشناسی، دوره، هنرمند، ملیت، ایدئولوژی، مواد و غیره» (Davies & Jokiniemi, 2008). «دسته‌ای از چیزهای مشابه که متمایز شده توسط ساخت‌وساز خاص، فرم و تزئین؛ همچنین ممکن است تا حدودی با دوره ساخت و یا تولید تعریف‌شده باشد» (Bucher, 1996). همان‌طور که مشخص است، وجه مشترک در این تعاریف از سبک، روشی برای دسته‌بندی است که در بیشتر مواقع اشاره به دوره تاریخی مشخصی دارد. «سبک‌ها مکانیزمی هستند برای طبقه‌بندی معماری و برای تعریف کردن ویژگی‌های مشترک» (Fielding, 2000: 14). در تاریخ به‌وضوح می‌توان شاهد بود که تغییر در سبک‌های معماری با توسعه و تغییر تکنیک‌های ساخت‌وساز همراه بوده است. هر سبک در قالب یک فرهنگ لغت است که انواع قطعات و نقش‌ها و روابط متقابل آن‌ها را شامل می‌شود (Zhu, 2005: 76).

۳-۱-۳- تعاریف عملیاتی موجود

باوجود تعریف لغوی قابل‌تشخیص و تعاریف نظری تقریباً یکسان، به دلیل چندتباری و جامع بودن آن از لحاظ قابلیت پوشش دادن چندین روش برخورد با جوانب مختلف معماری، انعطاف و تنوع در تعاریف عملیاتی قابل پیش‌بینی است (ندیمی و دیگران، ۱۳۹۸).

از ویتروویوس^{۱۱} (حدود قرن اول ق.م) تا به امروز منابع متعدد تاریخ هنر و معماری در جهان نگاشته شده‌اند که ساختار غالب آن‌ها بر اساس طبقه‌بندی آثار است، هرچند در همه آن‌ها سبک‌شناسی معماری به‌عنوان چارچوب اصلی پژوهش نبوده اما تقریباً اکثر آن‌ها به سبک‌های معماری اشاره کرده‌اند. برای استخراج تعاریف عملیاتی سبک‌شناسی، کتب و مقالات

بیش از چهل تاریخ‌دان و مورخ هنر در جهان بررسی گردید. به دلیل اعتباری بودن^{۱۲} تعریف سبک، طیف وسیعی از تعاریف رصد شد که نتایج زیر را می‌توان از آن ارائه نمود. (تصویر ۱)

تصویر ۱: استخراج معیارهای عملیاتی کردن سبک‌شناسی از مطالعات تاریخ هنر و معماری. (مأخذ: نگارندگان)



۴- نتایج و بحث

با توجه به ویژگی‌های معماری ایرانی (و به‌طور کلی شرقی) نمی‌توان ادبیات ترجمه از غرب را در روش‌ها و رویکردهای مطالعه تاریخ معماری به‌طور کامل پذیرفت، اما قابلیت چند تباری و اعتباری بودن سبک و تعاریف آن، این امکان را می‌دهد که با نگرشی متفاوت و تعریفی جدید از این زبان بین‌المللی برای مطالعه معماری ایران استفاده نمود. از آنجایی که دغدغه اصلی محققین، حوزه حفاظت معماری است در ادامه با به چالش کشیدن تعاریف موجود، مبتنی بر تعریف ارائه‌شده در این حوزه (ندیمی و دیگران، ۱۳۹۸) درصدد است تا نشان دهد سبک‌شناسی رویکردی مناسب برای تاریخ معماری در این حوزه است و می‌توان با پایبندی به مبانی تعاریف نظری، با تعریف عملیاتی جدید از این رویکرد مطالعه معماری در جهت حفاظت بهره برد.

در قرائت معماری در حوزه‌ی حفاظت به آن به‌عنوان گواه و شاهد تاریخی (ICOMOS, 2004:7) اشاره شده است و در کنار جنبه‌ی تاریخی توجه به زیبایی‌شناختی اثر ماهیت دوگانه‌ای را برای معماری تعریف می‌کند که باید آن را به آینده انتقال داد (Brandi, 2004:231) بدین‌وسیله جایگاه شناخت معماری در این حوزه به‌عنوان لازمه‌ی شروع هر اقدام نظری و عملی حفاظت معماری در نظر گرفته می‌شود. عدم توجه یا توجه ناقص به جنبه‌های مختلف شناخت یک اثر معماری هر نوع عملیاتی را بر آن با مشکل روبرو ساخته است. به نظر می‌رسد فقدان رویکرد مناسب برای شناخت، یکی از مهم‌ترین عوامل محل این شرایط است. هدف یافتن رویکردی است که بتواند شناخت کاملی را حاصل آورد همچنین قابل‌تعمیم و اعتبارسنجی باشد علاوه بر آن بتواند خود را با مبانی و روش‌های شناخت بومی منطبق کند درحالی که زبانی بین‌المللی است. نظریه‌ی سبک برای حوزه‌ی حفاظت معماری به دلیل زمینه‌سازی برای شناخت همه‌جانبه‌ی مؤلفه‌های گوناگون ناشی از عوامل کالبدی و محتوایی در لایه‌ها و مقیاس‌های مختلف کارآمد تشخیص داده شده است. اهمیت سبک نه در

توانائی‌اش در تعیین و اختصاص چیزی، بلکه برعکس، در آمیزش ذاتی‌اش با اصالت اولیه و نیز به دلیل مجوز ادغام هویتش با ماهیت بناهاست (Madrazo, 1995:230).

۴-۱- تعریف پیشنهادی از سبک‌شناسی

وضعیت امروز بنا به‌عنوان شخصیت آن که در طول زمان تا به امروز و با توجه به عوامل گوناگون به وجود آمده است سبک آن است. برای شناسایی آن به بررسی ویژگی‌های متأثر از زمینه‌ها، لایه‌ها و یا حوزه‌های متفاوت ظاهری و باطنی (صورت و معنا، کالبد و محتوا) که در طول زمان در بنا به وجود آمده، پرداخته می‌شود. از بررسی زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی، زیباشناختی، ریخت‌شناختی و... لایه‌هایی چون: نوع، گونه و کارکرد، ساختار، سازه، نما، احجام، جانمایی در پیرامون و حوزه‌هایی چون: سنت‌ها، اعتقادات، عرف‌ها، الگوها و... به شاخص‌هایی می‌رسیم که معیاری برای سبک‌شناسی‌اند و با مقایسه شاخص‌ها در سایر بناها و یافتن بناهای مشابه بر اساس آن سبک‌ها نمایان می‌گردند. (ندیمی و دیگران، ۱۳۹۸)

۴-۲- شرح و بسط تعریف

معماری ایران در زمان ساخت مشخصاتی دارد که در این تعریف هستی یا وجود نام‌گذاری می‌شود. هستی یا وجود همان هویت اولیه اثر است که خود متأثر از زمینه‌ها، لایه‌ها و یا حوزه‌های متفاوت ظاهری و باطنی (صورت و معنا، کالبد و محتوا) چون زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی، زیباشناختی، ریخت‌شناختی و... لایه‌هایی چون: نوع، گونه و کارکرد، ساختار، سازه، نما، احجام، جانمایی در پیرامون و حوزه‌هایی چون: سنت‌ها، اعتقادات، عرف‌ها، الگوها و... است این هویت اولیه در طول زمان از بین نمی‌رود بلکه با نسبت‌های متفاوت دچار تغییر و تحول شده که شخصیت یا ماهیت و هویت امروزی اثر تاریخی را تعریف می‌کند، سبک به این شخصیت اثر تاریخی می‌پردازد.

اولین واحد این تعریف مؤلفه‌ها هستند که در قدم اول شناسایی می‌شوند. مؤلفه‌ها تمام ویژگی‌های ملموس و قابل‌درک یک بنا می‌باشند و به دو گروه، مؤلفه‌های اولیه مربوط به زمان ساخت بنا و مؤلفه‌های ثانویه که در دوره‌های مختلف تا به امروز به‌واسطه انواع مداخلات پدید آمده‌اند، تقسیم می‌شوند. مؤلفه‌ها بالینکه علاوه بر حوزه‌های ظاهری و کالبدی از حوزه‌های باطنی و غیرمادی نیز ناشی شده‌اند کاملاً تجربه‌گرایانه و صورت‌مدارانه می‌باشند. به‌عبارت‌دیگر مؤلفه‌ها عینی‌اند هرچند ممکن است بعضاً ناشی از امور حسی و معرفتی باشند. به‌عنوان مثال در معماری مسجد می‌توان به این مؤلفه‌ها اشاره نمود: مسجد چهار ایوان دارد. یا در مسجد نماز جمعه خوانده می‌شد. یا بخش بازسازی‌شده از جهت تکنولوژی ساخت و فرم با بخش قدیمی متمایز است. در ادامه این مقاله، در بخش شرح عملیاتی تعریف اشاره می‌شود که لیست مؤلفه‌ها از پرونده مستندسازی استخراج و سپس دسته‌بندی خواهند شد.

دومین واحد این تعریف شاخص‌ها هستند که از بررسی و تحلیل مؤلفه‌ها استخراج شده و معیاری برای تشخیص و تعیین سبک‌ها می‌باشند. برای رسیدن به این شاخص‌ها، کدهایی تعریف‌شده که در مرحله رسیدن به سبک‌ها بررسی می‌گردد. میزان تشابه بناها در اشتراک این کدهاست که بر اساس آن سبک‌شناسی به‌عنوان ابزار طبقه‌بندی با بررسی تشابهات تبیین می‌شود. به‌عنوان مثال می‌توان به شاخص نقش شهری، شاخص فضاها، شاخص مداخلات و شاخص مصالح اشاره نمود در ادامه این مقاله، در بخش شرح عملیاتی تعریف برای معماری مسجد هشت شاخص معرفی می‌شود.

با توجه به ویژگی چندتباری بودن مفهوم سبک و کاربرد آن در انواع علوم نظری همچنین هنر و معماری که این خاصیت را به آن می‌دهد که بتوان تعریفی با توجه به هدف از مطالعه برای این رویکرد تبیین نمود،^{۱۳} در این مقاله تعریف سبک به‌عنوان ابزاری برای شناخت و طبقه‌بندی بناها در نظر گرفته می‌شود نه برای دوره‌بندی آن. به‌عبارت‌دیگر نتیجه‌ی حاصل از این رویکرد پیشنهادی به سبک، سیر تحول تاریخ معماری، آنچه مدنظر سبک‌شناسی در حوزه‌ی تاریخ هنر و معماری است، نیست بلکه بناهای تاریخی را در مقطع زمانی اکنون طبقه‌بندی می‌کند که در حوزه حفاظت معماری با توجه به این سبک می‌توان ضابطه نگاشت و تصمیم‌گیری نمود.

۳-۴- تبیین اجزا و عناصر تعریف (چارچوب نظری)

همان گونه که در بخش شرح و بسط تعریف آمد، این تعریف را می توان شامل دو بخش دانست: نخست از واژگانی چون هستی، وجود، ماهیت، هویت و شخصیت استفاده شده است که در اینجا از آن به عنوان اجزای تعریف نام برده می شود و سپس واژگان مؤلفه، شاخص ها و معیار است که در ادامه به عنوان عناصر، تعریف را شکل می دهند. بررسی معانی این اجزا و عناصر، انتخاب و تبیین معانی و توصیفاتی که بتواند تعریف سبک شناسی مذکور را پشتیبانی و حمایت نماید بخشی از چارچوب نظری خواهد بود.^{۱۴}

برای گزینش این واژه ها در زبان فارسی که بتوان با آن به شناخت معماری ایرانی با توجه به بینش و معرفت ایرانی نزدیک شد جستجو در میان واژه نامه های عمومی و تخصصی و همچنین پژوهش های مرتب صورت گرفت. «در علوم نظری که تاریخ هنر و معماری نمونه ای از آنهاست، شناخت واژگان و اصطلاح های رایج، اهمیت بسیاری دارد. این اهمیت بدان پایه است که گاه می توان همه ی تحول های پدید آمده در حوزه ای از دانش بشری را از راه شرح دلالت های یک واژه، به خوبی نشان داد و روشن کرد» (رجیم زاده، ۱۳۸۴: ۵۵).

۳-۴-۱- هستی، وجود، ماهیت

«وجود یعنی هستی» (سجادی، ۱۳۷۹: ۵۱۰). «هر موجودی در مقام تحلیل ذهنی به دو جزء تجزیه و تحلیل می شود؛ وجود و ماهیت» (سجادی، ۱۳۷۹: ۸۴). هستی هر کسی، واقعه ای منحصر به فرد و مقدم است. ماهیت یا ذات هر کسی، محصول تدریجی و دائم التغییر هستی او در جریان زمان است (فیضی، ۱۳۹۳). ماهیت^{۱۵} چستی یک شی است و چستی، اطلاق بر حقیقت شی می گردد. «برای هر یک از اموری که در برابر ماست ماهیتی است» (سجادی، ۱۳۷۹: ۵۱۰). «ماهیت نزد حکما عبارت از پرسش به "ما هو" است یا عبارت از چیزی است که در جواب "ما" حقیقه گفته شود و پرسش از گوهر اشیا است و بنابراین بر حقیقت شی می گردد و آنچه شیئیت شی بدان است ماهیت می نامند» (سجادی، ۱۳۳۸: ۲۸۱).

۳-۴-۲- هویت

نشأت گرفته از واژه هو است (ندیمی، ۱۳۸۶: ۳۲). هویت کیستی و کدامی یک شی است. «هویت عبارت است از تشخص و همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۵۹۶). هویت «آنچه موجب شناسایی شخص باشد» را گویند (معین، ۱۳۸۵: ۱۲۲۳). «هویت در زبان ملاصدرا به معنای موجود متشخص به تشخصات است. هویت هر موجودی نحوه خاص وجود اوست» (سجادی، ۱۳۳۸: ۳۶۰). «ماهیت عبارت است از حیثیت کلی از چستی شی و آنچه تنها در جهان تعقل به صورت خاص و تفکیک شده از سایر ویژگی ها و وجوه قابل دستیابی است. هویت نیز به معنای چستی شی است از آن جهت که به صورت فردی و مصداقی در جهان عینی و همچون واقعیتی بیرونی موجود است» (مظفر و دیگران، ۱۳۹۵: ۵). واژه نامه آکسفورد هویت را کیستی و چستی شخص می داند (Oxford, 2003).

۳-۴-۳- شخصیت^{۱۶}

مجموعه خصوصیات از نظر ساختمان بدن، هیجان ها، رفتار، علائق، نگرش ها، ظرفیت ها، توانایی ها و استعدادها که شخص را از افراد دیگر متمایز می سازند (ساعتچی، ۱۳۷۴). ویژگی های عمومی، خصوصیات و رفتار یک شخص و الگوهای رفتاری برای ایجاد ویژگی های منحصر به فرد (Matsumoto, 2009: 371) (شفر، ۱۳۹۱: ۱۱۶). با توجه به شرح واژگان مذکور در تعریف سبک شناسی ارائه شده، هستی و وجود یک اثر معماری ثابت فرض شده است. هویت و شخصیت در گذر زمان می تواند تغییر کند. شخصیت هر اثر معماری در زمان حاضر همان سبک آن اثر است. دو اثر معماری دارای هویت اولیه یا هویت زمان خلق مشابه، لزوماً شخصیت های یکسان ندارند. شخصیت آن چیزی است که اکنون وجود دارد، هویتی که از دالان زمان گذر کرده و به حال رسیده است. اگر دو بنا با ماهیت یکسان در دو مسیر متفاوت در طول زمان با تغییرات متفاوت به امروز رسیده باشند پس دارای شخصیت و سبک متفاوتی اند. برای ملموس تر شدن

موضوع می‌توان از مثال دو برادر استفاده کرد؛ این دو از یک پدر و مادر و در بستر یکسان متولد می‌شوند اما نمی‌توان تضمین نمود که با گذر زمان شخصیت‌های یکسان داشته باشند با مطالعه وضعیت اکنون آن‌ها، سبک‌شان شناخته می‌شود. سبک‌ها بر اساس شباهت‌هایی در شخصیت‌ها (و بناها) مشخص می‌شوند. در جهت رسیدن به این روش طبقه‌بندی، عناصر این روش به شرح زیر تعریف می‌شوند.

۴-۳-۴- مؤلفه

اولین واحد از عناصر این تعریف مؤلفه است که کار سبک‌شناسی با شناسایی و گردآوری آن‌ها در بنا شروع می‌شود. مؤلفه یا پارامتر^{۱۷} عنصر یا اجزای تشکیل‌دهنده یک‌چیز را گویند که بدون داشتن آن نمی‌توان آن چیز را تجزیه و تحلیل کرد. در تعریف سبک‌شناسی مذکور مؤلفه‌های بنا تمام مشخصات قابل تشخیص در بناست. در مقایسه با حوزه زبان و ادبیات، مؤلفه‌ها را می‌توان با واژه‌ها یکی دانست که از آن به‌عنوان «کوچک‌ترین واحد سازنده متن» نام می‌برند (گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷: ۶۲۳). «در این علم [سبک‌شناسی] از تطور لغات بحث می‌شود» (بهار، ۱۳۵۵: ۱۵۵) (ید) واژه‌ها ساختار نوشته را می‌سازد و خود از حروف تشکیل شده‌اند. در هر زبان حروف محدود و ثابت اما واژه‌ها بی‌شمارند و در هر گویش یا لهجه و یا در مکان‌ها و زمان‌های مختلف متفاوت‌اند. در معماری، حروف را می‌توان مواد و مصالح همچنین فرم و اشکال هندسی دانست که در بناهای مختلف در کنار یکدیگر بسان واژه‌ها، در اندازه و مقیاس‌های گوناگون عناصر، اندام‌ها و فضاهای متنوع و متفاوت را به وجود آورده‌اند. به‌عنوان مثال خشت و آجر، گنبد و ایوان و حتی انواع تعامل انسان با بنا را می‌توان حروف معرفی کرد و خشتی بودن بنا، تک ایوانی بودن و در مورد مسجد؛ علاوه بر نماز جماعت نماز جمعه نیز خوانده می‌شود، از جمله مؤلفه‌ها هستند.

۴-۳-۵- شاخص‌ها^{۱۸}

در عملیاتی کردن سبک‌شناسی مذکور، دومین واحد این تعریف شاخص‌ها می‌باشند که بعد از شناسایی مؤلفه‌ها، بررسی و تحلیل آن‌ها استخراج می‌شوند و بر اساس آن می‌توان معیارها^{۱۹} را برای تشخیص و تعیین سبک بناها انشاء نمود. شاخص به «تمایزده، سرمشق، مأخذ و پایه» (معین، ۱۳۸۵: ۶۰۳) معنی شده است. زمانی از شاخص‌ها صحبت می‌شود که تعدادی عامل یا عملکرد برای ارزیابی وجود داشته باشند که در بحث طبقه‌بندی (در اینجا سبک‌شناسی) این ارزیابی مشخص‌کننده بودن یا نبودن آن موضوع در یک طبقه و گروه (در اینجا سبک) است. بر طبق مثال‌های بخش قبلی، به‌عنوان نمونه تک ایوانی بودن در شاخص فضاها می‌تواند که تأثیرگذار در این شاخص بوده و در تعیین سبک بنا مؤثر باشد. در ادامه مقاله حاضر در بخش شرح عملیاتی برای معماری مسجد سعی شده بر اساس این تعریف شاخص‌ها استخراج شود.

۴-۴- بررسی در تعاریف عملیاتی موجود

با توجه به معیارهای عملیاتی کردن سبک‌شناسی در تعاریف موجود (تصویر ۱) می‌توان جایگاه تعریف ارائه‌شده در آن را این‌گونه بررسی نمود:

۴-۴-۱- از جهت اصالت بخشی به سبک

(بند الف تصویر ۱) این تعریف تابع باور دوم است؛ یعنی سبک، روش یا رویکردی است که پژوهشگر از آن برای مطالعه و طبقه‌بندی آثار استفاده می‌کند. در نظر ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م) سبک، محصولی از عوامل متعدد است که در اثری جمع می‌شود بنابراین دیدگاه، برای هر اثری می‌توان سبک قائل شد. این باور را گامبریچ «کاربرد توصیفی» می‌نامد که بر اساس آن روش‌های گوناگون تولید یا ساخت آثار که «بر اساس روش‌های رایج یا عادات مردمان، گروه‌ها، کشورها، یا دوره‌هایی خاص است»، بررسی می‌گردد (Gombrich, 1968: 129). با این تفاوت که علاوه بر مؤلفه‌های زمان تولید یا ساخت اثر مؤلفه‌های دیگری نیز در این بررسی گنجانده شده و در تشخیص سبک مؤثر است. اگر بپذیریم هر اثر معماری شخصیت مخصوص به خود را داراست، در راستای سبک‌شناسی ویژگی‌ها و مؤلفه‌های این شخصیت شناسایی می‌شود و به مدد

شاخص‌ها و معیارهای مشخص‌شده از پیش (در پروژه سبک‌شناسی انجام‌شده بر مبنای این تعریف)، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا در طبقه و گروه مشخص جای گیرد که همانا سبک آن است. به عبارت دیگر نگاه موردنظر این پژوهش نگاه ابزاری به سبک است، ابزاری برای شناخت معماری و نگاه ذات‌گرایانه به سبک مدنظر نیست. سبک در این تعریف مفهومی اعتباری و غیر اصیل است.

۴-۴-۲- از جهت تعداد آثار منسوب به یک سبک

(بند ب تصویر ۱) در مطالعه تاریخ هنر و معماری می‌توان از جهت تعداد آثار و نحوه انتساب آن‌ها به یک سبک سه رویکرد را استخراج نمود. رویکرد اول، خصوصاً در مطالعه تاریخ هنر و معماری متأخرتر، قائل به سبک فردی یا شخصی است. این رویکرد در نتیجه جنبش‌های هنری و تأکید بر زبان فردی و تلاش بر متمایز ساختن ویژگی‌های هنری دارد (ابوالحسن‌تنهایی و سایرین، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۳)؛ اما آنجا که تأکید بر مقبولیت یک سری قواعد و قراردادهای گروهی از افراد یا آثار باشد سبک گروهی تعریف می‌شود (دوفرن ۱۳۸۶: ۶۴). سبک تعریف‌شده در این مقاله از نوع گروهی است که به دنبال ویژگی‌های مشترک در گروهی از آثار معماری که از آن‌ها به عنوان شاخص‌ها نام می‌برد، است. رویکرد سوم سبک دوره است. از آنجایی که در یک دوره احتمال وجود یک یا چند سبک گروهی است با توجه به مبانی انتخاب‌شده برای تعریف سبک در این مقاله که آن را ابزاری برای طبقه‌بندی معرفی کرده است، دوره‌شناسی را می‌توان نتیجه ثانویه سبک‌شناسی محسوب نمود نه هدف از آن.

۴-۴-۳- از جهت مؤلفه‌های تعیین‌کننده سبک

(بند ج تصویر ۱) در فرآیند عملیاتی کردن، این تعریف برخورد تجربه‌گرایانه دارد. سبک‌ها از طریق مطالعه دقیق جزئیات آثار هنری شناسایی می‌گردد تا با بررسی تک‌تک آثار هنری روابط و صفات مشترک آن‌ها کشف شود. با مطالعه تمام جوانب اثر کالبد و محتوا (ظاهر و باطن، مادی و غیرمادی)، «صورت و معنا» (بهار، ۱۳۵۵)، «شکل بیرونی و شکل درونی» (ولک و وارن، ۱۳۸۹) سبک‌ها مشخص می‌شوند.

۴-۴-۴- از جهت سیر تحول سبک‌ها

(بند د تصویر ۱) از آنجایی که مؤلفه زمان در این تعریف سبک، برخلاف تعریف رایج که سبک را به عنوان دوره یا بازه‌ی مشخص در نظر می‌گیرد، محدود نیست و سبک با عبور از گذر زمان و با در نظر گرفتن همه تغییرات در آن تشخیص می‌یابد نه در زمان به وجود آمدن؛ پس صحبت از نوع تداوم سبک‌ها و تقدم و تأخر آن‌ها در این تعریف هدف نیست و در مرحله سبک‌شناسی تأثیری ندارد.

۴-۴-۵- از جهت عوامل تغییر و تحول سبک‌ها

(بند ه تصویر ۱) همانند بند د، از آنجایی که محدود بودن به دوره و بازه زمانی مشخص، در خصوص معماری ایرانی، آن‌چنان که در غرب قابل‌شناسایی است، به راحتی دیده نمی‌شود، سیر تحول سبک‌ها و عوامل تغییر و تحول آن به نحوی که در نگاه سنتی سبک وجود دارد، در تعریف موردنظر این پژوهش نیست و هر آنچه در طول زمان تاکنون باعث از بین رفتن، تغییر یا به وجود آمدن مؤلفه‌ای در بنا گردد ممکن است سبک بنا را تغییر دهد. البته می‌توان در مطالعه تغییرات، عامل تغییر را درونی یا بیرونی دسته‌بندی نمود.

۴-۴-۶- از جهت ارزش بخشی به سبک

(بند و تصویر ۱) در این تعریف نگاه ارزشی به سبک نمی‌شود و صرفاً ابزار شناخت و طبقه‌بندی، اثر معماری است. قضاوت کردن و ارزش‌گذاری بر روی سبک‌ها تنها در حوزه‌ی عمل و تصمیم‌گیری در میزان دخالت، کیفیت آن و تعریف اولویت‌ها در ضوابط حفاظتی قابل دفاع است نه در مرحله انشاء معیارهای سبک‌شناسی و تدوین سبک‌ها.

۴-۵- عملیاتی شدن تعریف پیشنهادی

در تدوین این تعریف سعی شده از نگاه انتزاعی دور باشد و با تأکید بر خاصیت کاربردی بودن، امکان عملیاتی شدن آن دغدغه محقق است؛ بنابراین تمام تلاش بر این بوده که با نگاه کاملاً نظام‌مند بتوان تعریف مذکور را عملیاتی نمود. سبک‌شناسی بررسی کیفیت و ماهیت موضوع مورد تحقیق است که بدون در نظر گرفتن نظامی منطقی و متناسب با موضوع، یعنی بدون اعمال نوعی طبقه‌بندی، دست‌یافتنی نیست.

آنچه در ادامه تحت عنوان چهار گام آورده می‌شود برای عینیت بخشیدن به تعریف عملیاتی رویکرد سبک‌شناسی مورد نظر شرح داده شده است.

پیش فرض محققین بر این است که عوامل تأثیرگذار در تعریف مؤلفه‌ها و در نتیجه تناظر مؤلفه‌ها در بناها در گونه‌های گوناگون متفاوت است و از آنجایی که هسته اولیه سبک‌شناسی مورد نظر مؤلفه‌ها می‌باشند پیش از شروع سبک‌شناسی، تفکیک گونه‌ها صورت گرفته است تا جامعه آماری قابلیت کنترل و ارزیابی مناسب‌تری را داشته باشد.

۴-۵-۱- گام پیش‌نیاز، تهیه پرونده مستندسازی

بناها با مطالعه در زمینه‌های: موقعیت قرارگیری، کارکرد، اندام‌ها، کالبد، ساخت‌مایه، نپاش و آرایه.

۴-۵-۲- گام اول، شناسایی و لیست کردن مؤلفه‌ها

بر اساس پرونده گام پیش‌نیاز، اقدام به شناسایی و لیست کردن مؤلفه‌ها به عنوان کوچک‌ترین واحد توصیفی از بنا می‌شود. مواردی که در بنا یا در مورد آن قابل درک‌اند و می‌توان به عنوان ویژگی‌های آن بنا از آن یاد نمود.

۴-۵-۳- گام دوم، دسته‌بندی مؤلفه‌ها

همان‌طور که در تبیین اجزا و عناصر تعریف گفته شد، تمام مشخصات قابل تشخیص بنا مؤلفه نام گرفت و اولین قدم برای سبک‌شناسی، شناسایی آن‌ها مشخص گردید. پیشنهاد دسته‌بندی‌های شش‌گانه زیر کمک می‌کند تا تمام مؤلفه‌ها امکان شناسایی یابند. این دسته‌بندی‌ها بر اساس تعریف سبک‌شناسی ارائه شده، انجام شده است و محقق را مطمئن می‌سازد که تمام جوانب را در نظر گرفته و همه مؤلفه‌ها را رصد نموده است و سبک‌شناسی نتیجه این جستجو و بررسی چندجانبه، جنبه‌های مختلف برای شناخت جامع از معماری را حاصل می‌کند. در انتها دو نتیجه زیر منطقی و قابل پیش‌بینی است:

الف) هر چند مؤلفه‌ها از لایه‌ها و حوزه‌های گوناگونی که می‌تواند بعضاً ناشی از امور حسی و معرفتی باشند، استخراج می‌شوند اما تمام آن‌ها ویژگی‌های ملموس و عینی معماری می‌باشند.

ب) در انتها، بعد از شناسایی مؤلفه‌ها در هر کدام از حوزه‌ها و لایه‌های دسته‌بندی‌های زیر، به‌طور قطع، کمابیش مؤلفه‌های مشترک بین دو یا چند دسته وجود خواهند داشت که نشان‌دهنده این است که هر مؤلفه می‌تواند نتیجه طیفی از عوامل باشد.

۴-۵-۳-۱- اولین دسته‌بندی

مؤلفه‌ها را به دو گروه مؤلفه‌های وجودی، یعنی مشخصات بنا در زمان ساخت آن و مؤلفه‌های شخصیتی، یعنی مشخصات بنا در مقطع زمانی اکنون، تقسیم می‌کند.

برای شناسایی مؤلفه‌های وجودی، شناخت ویژگی‌های معماری دوره ساخت بنا اهمیت دارد اما برای شناسایی مؤلفه‌های شخصیتی باید به تمام تغییرات، دخل و تصرفات، دخالت‌ها و دوره‌های ساخت دقت شود. در اینجا بررسی صحیح بودن یا نبودن دخل و تصرف‌ها، اینکه آیا هویت بنا را خدشه‌دار کرده‌اند یا خیر، آیا اجازه حذف دخالت‌ها تا چه میزان مجاز است و ... مطرح نیست. این موارد مربوط به پس از مرحله شناخت و در حوزه ضوابط مرمت خواهد بود. در سبک‌شناسی ارزش‌گذاری روی مداخلات صورت نمی‌گیرد. دخالت A ممکن است منجر به ظهور مؤلفه A شده باشد، دخالت B، مؤلفه B و ... لازم به توضیح است همان‌طور که این دخالت‌ها در تعیین سبک بنا مؤثر است، حذف آن نیز ممکن است سبک بنا را تغییر دهد.

بنابراین یکی از مواردی که برای استخراج مؤلفه‌ها در این بخش باید مدنظر قرار گیرد مطالعات دوره‌بندی بنا و رصد تمام تغییرات، دخل و تصرفات در گذر زمان ۲۰ در آن است.

جدول ۲: جدول پیشنهادی برای شناسایی مؤلفه‌ها از روی دوره بندی یا کروئولوژی بنا (مأخذ: نگارندگان)

زمان مشخص که تغییر ایجاد شده	مستندات ^{۲۱}	شرح تغییرات، دخل و تصرفات	حذف یا تغییر مؤلفه یا مؤلفه‌های قبل	ظهور مؤلفه یا مؤلفه‌های جدید
...	...	...	...	...
...	...	...	...	...

۴-۵-۳-۲- دومین دسته‌بندی

به حوزه‌هایی که مؤلفه‌ها از آن‌ها ناشی شده‌اند می‌پردازد و آن مبتنی بر چهار پرسش بنیادی که انسان برای شناخت هر چیزی و به تبع آن معماری، بدان پاسخ می‌دهد، است؛ برای چه، توسط چه کسی، از چه و چگونه. پاسخ به این پرسش‌ها را چهار «علت»^{۲۲} در معماری می‌توان نامید؛ علت غایی، علت فاعلی، علت مادی و علت صوری. دو علت مادی و صوری اشاره به دو نگرش کمی و کیفی دارند. در بررسی علل صوری برخلاف علل مادی به مفاهیم و موضوعاتی که جنبه کمی ندارند پرداخته می‌شود. در این نگرش بنا از باب مفاهیم اعتقادی، زیباشناختی و روان‌شناختی که نظام معنایی اثر معماری را شکل می‌دهند، مطالعه می‌شود. شناخت معماری بر اساس این نگرش یک مطالعه میان رشته بوده و مستلزم ورود متخصصان حوزه علوم انسانی است.^{۲۳}

در مورد علت غایی و فاعلی، به‌عنوان مثال برای سبک‌شناسی گونه مسجد، می‌توان برای دسته‌بندی مؤلفه‌ها در دو جدول زیر آن را بسط داده و از آن مدد گرفت. (جدول ۳ و ۴)

جدول ۳: بررسی علل غایی در مسجد و بروز مؤلفه‌های ناشی از آن (مأخذ: نگارندگان)

علل غایی	توضیحات	مؤلفه
انگیزه مذهبی	- مسجد جایگاه عبادت - مسجد محل احیای ارزش‌ها، محل وحدت و اتحاد مسلمانان محل پاسداری از عدالت است (مهدوی عارف و هاشمی‌فشارکی، ۱۳۹۵). - آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوی بنا شده شایسته‌تر است که در آن قیام و عبادت کنی (توبه: آیه ۱۰۸)	ساخت شبستان و سایر فضاهای مناسب برای نمازگزاری/ جهت‌گیری سوی قبله/ رعایت توصیه‌های فقهی و دینی در طراحی و ساخت مسجد مانند نوع تزئینات
انگیزه سیاسی و اجتماعی	- برای ساخت اولین مسجد توسط پیامبر انگیزه سیاسی و اجتماعی پررنگ‌تر از سایر انگیزه‌ها بود. - مسجد به‌عنوان پایگاه اسلام - خلیفه، حاکم و فرماندار به‌عنوان امام جماعت - تصمیم‌گیری‌های سیاسی همچنین اعلام آن به عموم در مسجد - خواندن خطبه بعد نماز جمعه، مراسم بیعت و... - بانی و سازنده مساجد معمولاً حکومت است. - توصیه به نماز جماعت - «یکی از فواید مسجد رفتن تعاون مسلمانان بر تقوا است» (مهدوی عارف و هاشمی-فشارکی، ۱۳۹۵). - امام جماعت بعد از نماز به مشکلات مردم پاسخ می‌گوید.	ابعاد بزرگ و شاخص بودن معماری مسجد در شهر/ موقعیت مرکزی مسجد در بافت/ هم‌جواری یا نزدیکی مسجد به دارالحکومه/ وجود تعمیرات یا دخل و تصرفات توسط حکام در دوره‌های مختلف مانند اضافه کردن شبستان، ایوان یا حتی محراب/ وجود مقصوره و منبر/ فضاهایی با گنجایش بیشترین نمازگزار برای نماز جماعت/ وجود ورودی‌های متعدد در مسجد به‌عنوان بخشی از شریان شهری
انگیزه انسانی و روان‌شناسی	- «در آن مسجد مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد» (توبه: آیه ۱۰۸). - مسجد باید باعث برطرف کردن اندوه‌های دنیوی و افسردگی و پناه مسلمانان باشد (مهدوی عارف و هاشمی‌فشارکی، ۱۳۹۵). - مسجد روح پرهیز از گناه و دوری از سرکشی را در جان‌ودل همدمان خود می‌دمد (مهدوی عارف و هاشمی‌فشارکی، ۱۳۹۵).	وجود فضای طهارت و وضوخانه در مسجد یا نزدیکی آن/ محتوای آیات بکارگرفته در کتیبه‌ها/ استفاده از حیاط مرکزی به همراه جداره‌های کاشی‌کاری اسلیمی با نقوش گیاهی و رنگ لاجوردی/ وجود حوض و آب/ نحوه نورگیرها/ طراحی فضاهای روشن و تاریک/ انتخاب رنگ با

مسجد خانه خدا و برای انسان ساخته می‌شود. انسان مهمان خداست.	توجه به روان‌شناسی رنگ/مردم‌واری در فضاهای داخلی
پیامبر اسلام در مسجد خویش آیه‌های قرآن، احکام و معارف دینی و حتی مسائل تاریخی را به مردم آموزش می‌داد. - نقش آموزشی در مسجد یکی از پررنگ‌ترین نقش‌هاست تا جایی که بنایی با کاربری ترکیبی مسجد مدرسه به وجود می‌آید یا مدارس به مساجد متصل می‌شوند. -تعالیم مذهبی در مساجد آموزش داده می‌شود.	ایوان‌ها و صفها به‌عنوان مدرس/ مضامین نوشته‌ها در کتیبه‌ها/ ...
-اوج هنر ساختمان‌سازی و تزئینات توسط بهترین اساتید مسلمان در مسجد بروز کرده است و آن را تبدیل بالزرش‌ترین اثر هنری اسلام نموده است بخشی از انگیزه برای تعمیر و نگهداری و حفاظت مسجد ارزش هنری آن است.	کیفیت عالی انواع فنون و آرایه‌ها در مسجد/ دقت در تعمیرات و دخل و تصرفات و امروزه در مرمت و حفاظت برای حفظ ارزش هنری مسجد.

جدول ۴: بررسی علل فاعلی در مسجد و بروز مؤلفه‌های ناشی از آن (مآخذ: نگارندگان)

مؤلفه	توضیحات	علل فاعلی
تعیین‌کننده مسجد محله یا مسجد جامع/	-به دو گروه حکومتی و مردمی تقسیم می‌شود - انگیزه را مشخص می‌کند. -توان مالی بانی در ابعاد و کیفیت تأثیر دارد -گرایش فرقه‌ای بانی تا اندازه‌ای در شکل مسجد تأثیر دارد.	بانی
از نام هنرمند در بنا معمولاً نشانی نیست یا اگر باشد با پیشوندهایی چون «حقیر» خشوع خود را به نمایش می‌گذارند./ انتخاب نوع طرح و نقش.	مهارت و اعتقاد معمار و هنرمندان در شکل و کیفیت تأثیر دارد.	معمار و سازنده
تعمیرات متعدد در مسجد که هم می‌تواند مثبت باشد و ضامن حیات و تداوم است هم می‌تواند منفی باشد و به اصالت بنا خدشه وارد نماید.	پشتوانه مالی برای نگهداری مسجد توسط متولیان و معمولاً بر پایه نظام وقف بوده است.	تولیت و متولی
رواج نوعی از تزئینات یا بکارگیری اجرا یا فرم یا اندام مشخص	شیوه معماری هر دوره در معماری مسجد آن دوره تأثیر دارد.	تاریخی
خصوصاً در مضمون کتیبه‌ها	گرایش‌های اجتماعی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی در معماری مسجد تأثیر دارد.	اجتماعی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی
انتخاب پوشش منحنی یا تخت، انتخاب سنگ، یا آجر یا خشت و...	معماری تابع اقلیم است. در کنار سایر علت‌های فاعلی، اقلیم در انتخاب موقعیت، جهت، انواع ساختمانی و فرم‌ها مؤثر است.	اقلیمی

۴-۵-۳- سومین دسته‌بندی

بر اساس لایه‌ها یا زمینه‌های تحقیق است که برای رصد و شناخت مؤلفه‌ها در آن نیاز به دانش‌های مرتبط است. (جدول ۵)

جدول ۵: انواع لایه‌ها و زمینه‌ها برای بروز مؤلفه‌ها (مآخذ: نگارندگان).

دانش مرتبط	لایه‌ها یا زمینه‌ها
شناخت مصالح، فنون اجرایی، هندسه و...	مؤلفه‌های ناشی از امکانات محیطی ^{۲۵} و طبیعت ^{۲۵} پیرامون برای تأمین مواد اولیه، انواع اجرا و...
علوم محیط‌زیست، زمین‌شناسی، آب‌وهوا و جغرافیا	مؤلفه‌های ناشی از اقلیم و جغرافیا ^{۲۶}
علوم اجتماعی و سیاسی، تاریخ ^{۲۸}	مؤلفه‌های ناشی از امور سیاسی و اجتماعی ^{۲۷}
مردم‌شناسی، آشنایی با فرهنگ ^{۳۰} و آداب‌ورسوم و مذهب، فلسفه و حکمت در ایران ^{۳۱}	مؤلفه‌های ناشی از فرهنگ ^{۲۹} و مذهب

۴-۳-۵-۴- چهارمین دسته‌بندی

برای استخراج مؤلفه‌ها بر اساس مقیاس و ابعاد جستجو است. برای این کار می‌توان از مقیاس‌های کلان تا مقیاس‌های خرد مؤلفه‌ها را دسته‌بندی نمود. در برخی گونه‌ها چون مسجد حتی می‌توان ویژگی و مؤلفه‌ای را در مسجدی مشخص در مقیاس جهانی یا کشوری یافت اما معمولاً برای هر بنایی می‌توان مقیاس شهری و محله‌ای (بافت و پیرامون، از چندین کیلومتر تا چند ده متر)، مقیاس بنا (متر) و مقیاس جزئیات اجرایی و تزئینات (سانتی‌متر) استفاده نمود.

۴-۳-۵-۵- پنجمین دسته‌بندی

اگر بپذیریم یک اثر معماری، یک مجموعه منظم است که تمام اجزا و عناصر آن به‌صورت یک سامانه^{۳۲} عمل می‌کند در این سامانه می‌توان سه نظام را بررسی نمود^{۳۳}: کارکردی، سازه‌ای و کالبدی^{۳۴}. نظام کارکردی چگونگی ساماندهی^{۳۵} فضاها در کنار هم برای برآوردن کارکردهای موردنیاز، با ایجاد انواع ارتباطات میان فضاهاست. نظام سازه‌ای چگونگی استخوان‌بندی یا ساختار ساختمان، انتقال نیروها در یک شبکه همگن از اجزا سازه‌ای است و نظام کالبدی چگونگی سازمان‌دهی کالبد ساختمان با مصالح مناسب، با به‌کارگیری انواع روابط بصری و پدید آوردن ریتم و هماهنگی در کالبد و نمای درون و بیرون ساختمان است.

۴-۳-۵-۶- ششمین دسته‌بندی

بر اساس گونه‌شناسی شکلی (تیپولوژی) عناصر معماری^{۳۶} می‌توان به دنبال مؤلفه‌ها بود. هم‌جواری‌ها، تقسیم‌بندی فضاها، نحوه‌ی ترکیب‌بندی آن‌ها، انواع فرم و هندسه بکار رفته، تیپولوژی پوشش سقف، انواع کف‌سازی، تیپولوژی مصالح، تزئینات، انواع اندودها (نازک‌کاری)، تیپولوژی عناصر عمودی (انواع جرز و ستون)، تیپولوژی بازشوها (در و پنجره) و...

۴-۵-۴- گام سوم استخراج شاخص‌های پیشنهادی

بعد از شناسایی مؤلفه‌ها به‌عنوان داده‌های اولیه، برای ورود به مبحث ظریف و پیچیده‌ی سبک‌شناسی، می‌توان معیارهایی را انشاء نمود. به این منظور هشت شاخص زیر برای تقرب به این مبحث و نتیجه‌گیری‌های لازم می‌تواند پیشنهاد شود:

۴-۵-۴-۱- شاخص فضاها

در دسته‌بندی‌هایی که برای شناسایی مؤلفه‌ها در بخش قبلی انجام شد فضاها^{۳۷} متعددی که یک گونه معماری ایرانی به‌واسطه‌ی آن تعریف می‌شود بررسی می‌گردد. بعضی از این فضاها می‌توانند در معیاری برای تشخیص سبک به بنا مؤثر باشند. بدین معنی که به کمک این شاخص می‌توان بناهای مشابه را در این زمینه یافت و برای طبقه‌بندی آن‌ها در یک گروه سبکی به‌عنوان یکی از معیارهای سبک‌شناسی محسوب نمود. پیشنهاد تحقیق نشان می‌دهد که این معیار در سبک-شناسی معماری چه در معماری ایران، چه معماری جهان مدنظر متخصصین سبک‌شناسی بوده است؛ بنابراین به‌عنوان یکی از شاخص‌های سبک‌شناسی این پژوهش پیشنهاد می‌شود.

۴-۵-۴-۲- شاخص نقش شهری

در رصد مؤلفه‌ها اشاره شد که بعضی از مشخصات یک بنا مربوط به جایگاه آن در مقیاس شهری است. این جایگاه می‌تواند موجبات وجود یا عدم وجود مؤلفه‌هایی را فراهم آورد؛ بنابراین از این جهت نیز می‌توان بناها را طبقه‌بندی نمود و آن را به‌عنوان شاخصی برای سبک پیشنهاد داد.

۴-۵-۴-۳- شاخص مداخلات^{۳۷}

از آنجایی که سبک در بنای امروز بررسی می‌شود و تغییرات در طول زمان، از زمان ساخت تاکنون، موجب ظهور یا حذف بخشی از مؤلفه‌ها در بنا خواهد شد. در این شاخص، تأثیر این مؤلفه‌ها بررسی می‌گردد. یکی از نتایج شناسایی مؤلفه‌های وجودی، شخصیتی و بررسی دوره‌بندی بنا مشخص شدن میزان تغییرات و در نتیجه مشخص شدن میزان دور شدن یا نشدن جنبه‌های مختلف نسبت به شکل اولیه بناست. تغییرات در طول زمان در بررسی این شاخص موجبات تفاوت در دو بنا با زمان ساخت مشابه و در نتیجه متفاوت بودن سبک آن‌ها می‌شود.

۴-۵-۴-۴- شاخص ساختمایه یا مصالح

شباهت یا تفاوت در به‌کارگیری انواع مصالح در بناها در این شاخص پیشنهادی ارزیابی می‌گردد. البته منظور از این شاخص مصالح اصلی بنا که شاکله‌ی بنا با آن تعریف شده است که می‌تواند یک یا چند نوع از همه مصالح بکار رفته در آن باشد.

۴-۵-۴-۵- شاخص تکنولوژی ساخت

تأثیر شیوه‌های مختلف اجرا در این شاخص برای سبک‌شناسی آورده می‌شود. در این شاخص نیز همانند بند (د)، همه انواع اجراها مدنظر نیست بلکه مؤلفه‌هایی انتخاب شده‌اند که موجب تفاوت در بناها گشته و می‌توانند به‌عنوان معیار در سبک تأثیر داشته باشند.

۴-۵-۴-۶- شاخص آرایه‌ها

تأثیر انواع آرایه‌ها در سبک‌شناسی در این شاخص بررسی می‌شود.

۴-۵-۴-۷- شاخص فرم‌های به‌کاررفته

تأثیر انواع فرم‌های به‌کاررفته در سبک‌شناسی در این شاخص بررسی می‌شود.

۴-۵-۴-۸- شاخص سامان‌بندی عناصر و فضاها

همان‌گونه که در بخش قبلی اشاره گردید ترکیب عناصر و فضاها در کنار هم مؤلفه‌هایی را تعریف کرده‌اند که تأثیر آن بر سبک‌شناسی در زیرمجموعه این شاخص می‌آید. برای هر کدام از این شاخص‌ها کدهایی در نظر گرفته می‌شود. به‌عنوان نمونه در جدول ۶ کدها بر اساس بررسی مؤلفه‌های گونه مسجد پیشنهاد شده است و ارزیابی آن‌ها می‌تواند تعیین‌کننده شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین مساجد باشد و شباهت‌های سبکی را نمایان نماید.

این شاخص‌ها و کدهای تعریف شده برای هر کدام صرفاً پیشنهاد این پژوهش و برای گونه انتخابی مسجد و با توجه به جامعه آماری است که بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی اسناد موجود در مطالعات قبلی در کنار مطالعات میدانی حاصل آمده است.

جدول ۶: شاخص‌های پیشنهادشده برای انشاء معیارهای سبک‌شناسی گونه انتخابی مسجد. (مأخذ: نگارندگان).

الف) شاخص فضاها	کد	شرح
	الف-۱	شبستان
	الف-۲	حیاط مرکزی
	الف-۳	گنبدخانه
	الف-۴	تک ایوان
	الف-۵	دو ایوان
	الف-۶	چهارایوان
	الف-۷	تنبی
	الف-۸	منار
	الف-۹	طبقه دوم یا نیم‌اشکوب
ب) شاخص نقش شهری	ب-۱	مسجد جامع مستقل
	ب-۲	مسجد محله مستقل
	ب-۳	مصلی
	ب-۴	مسجد غیر مستقل، جزء ارمن
ج) شاخص مداخلات	ج-۱	تغییر در موقعیت
	ج-۲	تغییر فضاها و اندامها
	ج-۳	تغییر کاربری
	ج-۴	تغییر شکل
	ج-۵	تغییر در تکنولوژی ساخت
	ج-۶	تغییر مصالح
	ج-۷	تغییر تزئینات
	ج-۸	تغییر در سامان‌بندی عناصر و فضاها
د) شاخص آرایه‌ها	د-۱	آجرکاری
	د-۲	گچ‌بری
	د-۳	نقاشی روی گچ
	د-۴	کاشی‌کاری هفت‌رنگ
	د-۵	کاشی‌کاری معرق
	د-۶	مقلی (ترکیب آجر و کاشی)
	د-۷	تزئینات چوبی
	د-۸	خط بنایی
	د-۹	خط کوفی در کتیبه‌ها
	د-۱۰	خط نستعلیق در کتیبه‌ها
	د-۱۱	سایر خطوط (سخ، ثلثه، توفیع، ریحان و...) در کتیبه‌ها
	هـ) شاخص سامان‌بندی عناصر و فضاها	هـ-۱
	هـ-۲	تقارن در نماها و پلان
	هـ-۳	ریتم در جداره‌ها
	هـ-۴	سلسله مراتب افقی
	هـ-۵	سلسله مراتب عمودی
	ز) شاخص فرم‌های بکاررفته	ز-۱
	ز-۲	تقوس به صورت اسلیمی
	ز-۳	فرم قوس به صورت مازه-ای (بخشی از یک بیضی)
	ز-۴	فرم قوس به صورت تیزه-ای (بخش‌هایی از دو بیضی)
	ز-۵	فرم قوس به صورت دایره-ای (بخشی از دایره)
	ز-۶	مقرنس
	ز-۷	پشکنه
	ز-۸	تورگیرها (بکارگیری نور طبیعی در طراحی)

در انتها، برای شناسایی سبک، وضعیت شاخص‌ها با توجه به شناخت مؤلفه‌های هر بنا برای آن مشخص می‌شود و به تعداد بناهای موردبررسی ادامه می‌یابد. در جدول زیر برای نمونه از شاخص الف (شاخص فضاها) آورده شده که باید برای هر هشت شاخص گفته‌شده به همین ترتیب بررسی صورت گیرد. (جدول ۷)

بر اساس قاعده صفر یا یک برای کدها، در صورت وجود هر کد برای هر مسجد، بخش مربوطه علامت می‌خورد. منظور از تعریف کدها در این شاخص‌ها و پیشنهاد نظام صفر و یکی به هیچ‌عنوان برخاسته از نگاه کمی به سبک نیست بلکه سعی دارد چگونگی فرآیند این طبقه‌بندی منتج از نگاه ترکیبی کمی و کیفی و چندلایه را شرح دهد تا شباهت‌های بناها نمایان گردد.

جدول ۷: وضعیت شاخص الف در بناهای موردبررسی (مأخذ: نگارندگان).

کدها	الف-۱	الف-۲ حیاط مرکزی	الف-۳ گنبدخانه	الف-۴ تک ایوان	الف-۵ دو ایوان	الف-۶ چهار ایوان	الف-۷ تنبی	الف-۸ منار
مسجد A								
مسجد B								

تحلیل داده‌های جداول ۷ (۸ جدول به تعداد شاخص‌ها) امکان تشخیص کدهای تأثیرگذار و پیدا کردن بناهای مشابه برای قرار گرفتن در یک سبک مشخص و در نتیجه مشخص شدن معیارهای آن سبک را فراهم خواهد آورد. پس از تکمیل جداول برای هر بنا، ماتریس مفصلی از اطلاعات فراهم می‌آید که لازم است با استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی تحلیل کیفی و بهره‌گیری از روش‌هایی چون تحلیل محتوا و تحلیل خوشه‌ای بررسی شوند. فرآیند سبک‌شناسی با استخراج الگوهای مشترک ادامه می‌یابد. این تحلیل‌ها منجر به شناسایی سبک‌های معماری متمایز می‌شود که می‌توان آن‌ها را نام‌گذاری کرد. برای نام‌گذاری، پیشنهاد این است که از کدهای پرتکرار یا ویژگی‌های برجسته بهره گرفت تا هر سبک با واژگان دقیق و مرتبط با ویژگی‌های معماری آن شناسایی گردد.

در انتها تأکید دوباره می‌شود که این فرآیند یک پیشنهاد برای تعریف سبک‌شناسی ارائه شده است و در واقعیت برای عملیاتی شدن، اول اینکه یک کار گروهی و وسیع می‌طلبد و دوم، منطقی است در این فرآیند دسته‌بندی مؤلفه‌های پیشنهادی، شاخص‌های منتج از آن و بررسی و تحلیل آن‌ها و ویرایش و با در نظر گرفتن نظرات یک کارگروه تخصصی بهینه خواهد شد.

این تعریف و بسط آن در راستای عملیاتی شدن با پیشنهاد گام‌های قابل اجرا: از نحوه رصد مؤلفه‌ها تا استخراج شاخص‌ها به عنوان یک پیشنهاد بر روی میز آمده تا زمینه را برای مطالعات آینده فراهم آورد.

۵- نتیجه‌گیری

با وجود تعریف لغوی قابل تشخیص و تعاریف نظری تقریباً یکسان، این مقاله برای استخراج تعاریف عملیاتی و معیارهای سبک‌شناسی، کتب و مقالات بیش از چهل تاریخ‌دان و مورخ هنر در جهان را بررسی کرده و بر اساس تعاریف عملیاتی موجود در آن‌ها، معیارهای سبک‌شناسی را در شش گروه دسته‌بندی نمود. (جدول ۸)

جدول ۸: معیارهای سبک‌شناسی در تعاریف عملیاتی رایج سبک‌شناسی هنر و معماری (مأخذ: نگارندگان).

گروه	شرح	معیارها
۱	حوزه مطالعه	سبک کیفیتی است که تنها در برخی آثار ویژه وجود دارد.
		سبک ابزار طبقه‌بندی است. هر اثری دارای سبک است.
۲	نوع طبقه‌بندی	سبک فردی یا سبک گروهی
		سبک دوره
۳	مؤلفه‌های تعیین کننده	مطالعه سبک از کل و بستر اثر و در ارتباط با فرهنگ و اجتماع شروع می‌شود. (رویکرد ایدئالیست‌ها)
		مطالعه سبک از مطالعه جزئیات اثر شروع می‌شود.
		با بررسی تک‌تک آثار و یافتن روابط و صفات مشترک آن‌ها (رویکرد تطبیقی اجزای معماری در دوره‌های مختلف (رویکرد تطبیقی)
۴	سیر تحول	تداوم همراه با تکامل در تحول سبک‌ها وجود دارد.
		تداوم بدون تکامل در تحول سبک‌ها به دو صورت خطی یا چرخه‌ای وجود دارد.
۵	عوامل تغییر و تحول	تحولات درونی معماری عامل تغییر سبک‌هاست.
		عوامل بیرونی عامل تغییر سبک‌هاست.
۶	ارزش‌بخشی	سبک‌ها برای طبقه‌بندی است بدون قضاوت.
		سبک‌ها هم‌ارز نیستند و ارزش‌گذاری می‌شوند.

این مقاله بر نقش مؤثر سبک‌شناسی در فرآیند شناخت معماری و روشی برای تدوین چارچوب برای تحلیل و ارائه راهکارهای حفاظت معماری تأکید دارد. دغدغه اصلی پژوهش، کمک به رفع ضعف‌های موجود در شناخت معماری است که می‌تواند تأثیر مستقیمی بر کیفیت مداخلات حفاظتی و مرمتی داشته باشد. سبک‌شناسی مدنظر این پژوهش با طبقه‌بندی

آثار معماری می‌تواند به مدیریت مداخلات در یک پروژه مرمتی یاری رساند و از برخوردهای سلیقه‌ای جلوگیری کند. این رویکرد امکان ایجاد آرشویی دقیق از ویژگی‌های سبک‌شناسی بناهای تاریخی را فراهم می‌کند که می‌تواند به‌عنوان مرجعی برای تصمیم‌گیری‌های آینده استفاده شود. طبقه‌بندی این امکان را فراهم می‌آورد تا برای هر گروه با توجه به ویژگی‌های آن ضوابط مداخله تدوین نمود. این ضوابط می‌تواند منجر به نظامنامه مرمتی در کشور شود.

طبقه‌بندی بر اساس تعریف سبک‌شناسی مدنظر این پژوهش از آنجایی که تمام وجوه بنا را مدنظر قرار داده است و به حال امروز آن توجه نموده است، با شناسایی هویت اولیه بنا و تغییرات ایجادشده در طول زمان به شناخت تحلیلی در جهت آسیب‌شناسی و طرح کمک کرده همچنین این فرآیند مستندسازی جامع، اولویت‌بندی برای حفاظت از بناهای تاریخی را تسهیل می‌کند. این سبک‌شناسی به‌عنوان ابزار تحلیلی برای ارزیابی اصالت بنا و تعیین محدوده مداخلات استفاده می‌شود. مداخلات ادوار مختلف و اثر آن‌ها بر اصالت بنا توسط مرمت‌گران ارزیابی می‌شود و به آنان کمک می‌کند تا میان بازگشت به اصالت اولیه بنا و حفظ مداخلات ارزشمند ادوار بعدی تعادلی ایجاد کنند.

در مسیر عملیاتی‌شدن سبک‌شناسی مدنظر این پژوهش بر اساس معماری مسجد ابتدا به شش شیوه پیشنهادی، تمامی ویژگی‌های معماری (مؤلفه‌ها) مساجد موردبررسی دسته‌بندی و هشت شاخص استخراج شد. (جدول ۹)

جدول ۹: مسیر عملیاتی‌شدن سبک‌شناسی و رسیدن به شاخص‌های سبک‌شناسی مساجد (مأخذ: نگارندگان).



بنابراین برای انشاء معیارهای سبک‌شناسی، پیشنهاد مقاله این است که در ابتدا بر اساس گونه‌ها موضوع‌بندی سبک صورت پذیرد: سبک‌شناسی معماری مسجد، سبک‌شناسی معماری مسکونی و... سپس بامطالعه میدانی و کتابخانه‌ای دسته‌بندی‌های لازم برای شناسایی مؤلفه‌های آن گونه، مشخص و تدوین شود. با ارزیابی، ساماندهی و تحلیل مؤلفه‌ها، شاخص‌ها برای انشاء معیارهای سبک‌شناسی استخراج می‌گردد و با تحلیل بر روی کدهای هر شاخص و دسته‌بندی و تحلیل آن‌ها سبک‌ها مشخص می‌شود. این عملیات سرانجام به مشخص شدن سبک‌های معماری ایرانی ختم خواهد شد که برای سبک‌شناسی یک بنا در آینده به کار می‌آید. برای نام‌گذاری سبک‌ها (گروه‌های بناهای مشابه) می‌توان از کدهای پرتکرار یا به عبارت دیگر ویژگی یا ویژگی‌های بارز جداول وضعیت شاخص‌ها (جداول ۶) کمک گرفت. به عبارت دیگر نام‌گذاری سبک‌ها می‌تواند با توجه به ماهیت تشابهات انجام پذیرد.

در عملیاتی‌شدن سبک‌شناسی مدنظر این پژوهش به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان این مسیر را شامل دو مرحله دانست: مرحله اول، انشاء شاخص‌هایی به‌عنوان معیارهای سبک‌شناسی و مرحله نهایی، سبک‌شناسی یک بنای مشخص در انجام کار مطالعاتی در شروع و در حین هر نوع مداخله‌ای تحت عنوان حفاظت و مرمت.

برای شناسایی سبک یک بنای مشخص: ابتدا رصد تمام مؤلفه‌های بنای موردنظر صورت می‌پذیرد. بر اساس معیارهای ارائه‌شده (انشاء شده) که قبلاً مشخص و منتشر شده است، مؤلفه‌ها دسته‌بندی و با شاخص‌های موجود ارزیابی می‌گردند تا سبک بنا پیدا شود.

قطعا، پس از عملیاتی شدن سبک‌شناسی و مشخص شدن سبک‌های معماری ایران، پیش‌بینی این است که طی برگزاری سمینارها و اشتراک‌گذاری، یافته‌ها در معرض بازبینی و ارزیابی مداوم توسط متخصصان خواهند بود تا فرایند و نتایج پژوهش بهبود و ارتقاء یابد.

پی‌نوشت

۱- تعریف ابن‌سینا از پزشکی: شاخه‌ای از معرفت است که در حالت‌های تندرستی و بیماری در تن آدمی نظر می‌کند و غرض آن این است که با استفاده از وسایل شایسته، سلامتی را نگه دارد یا آن را بازگرداند. (ابوعلی سینا، ۱۳۸۹: ۳)

۲- ملک‌الشعرای بهار (۱۲۶۵-۱۳۳۰ ه. ش) نخستین کسی است که به مفهوم سبک در ایران پرداخته است در نظر وی «سبک شامل دو موضوع است: فکر یا معنی، صورت یا شکل» (بهار، ۱۳۵۵: ه).

۳- Aristotle (۳۸۴ - ۳۲۲ ق. م)

۴- Demetrius

۵- «سبک‌های ساختمانی از کاربرد فرم‌های ساختمانی ساده و با ترکیب آن‌ها با یکدیگر به وجود می‌آیند. عناصر متشکل اولیه را در ساختمان، فرم‌های آن گویند. هر فرم ساختمانی دارای یک موجودیت فیزیکی و ویژگی‌های مکانیکی است. موجودیت فیزیکی از مواد متشکله و نحوه ساختمان آن و ویژگی‌های مکانیکی از شخصیت هندسی که مبین شکل هندسی آن فرم است تشکیل یافته است. سبک‌های ساختمانی ایرانی باوجود تغییر و تحولاتی که در طی قرون تاریخ داشته‌اند، ویژگی‌ها و اصالت‌های ساختمانی خود را محفوظ داشته و این شخصیت ایرانی همواره در بطن انواع سبک‌های ساختمانی که در این سرزمین پیدایش و تکامل یافته نهفته بوده است» (فرشاد، ۱۳۶۲: ۴۶۹).

۶- اینکه طبقه‌بندی پیرنیا سبک است یا شیوه تحت عنوان «چیستی پروژه پیرنیا (سبک‌شناسی یا شیوه‌شناسی)» بررسی شده است (ندیمی و دیگران، ۱۳۹۸).

۷- پنج اصل معماری در نزد پیرنیا: مردم‌واری، درون‌گرایی، پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی و پیمون در نیارش (پیرنیا ۱۳۸۴).

۸- Style

۹- Stilus

۱۰- اما در خود زبان عربی برای واژه استیل، سبک بکار نمی‌رود بلکه از واژه اسلوب، نمط و طرز استفاده می‌کنند برای سبک معماری نیز «أسلوب العمارة» (اللوئی ۲۰۰۳)، «نمط معماری» و «الطرز المعماری» بکار رفته است. در زبان فرانسوی نیز سبک Stylstque و سبک‌شناسی معماری Style de l'architecture است (Leach, 2015:171). در زبان ایتالیایی واژه‌ی maniera به معنای سبک است (مایر، ۱۳۹۰: ۱۴۷). واژه استیل در ترکیباتی چون Hypostyle به معنی ستون دیده می‌شود. جالب اینکه یکی از واژه‌هایی که پیش از واژه سبک در ایران این مفهوم را می‌رساند «قلم» بوده است که با ریشه یونانی سبک هم‌پوشانی معنایی دارد.

۱۱- Marcus Vitruvius Pollio

۱۲- مفاهیم کلی که در علوم عقلی از آن‌ها استفاده می‌شود، در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته تقسیم می‌گردند، مفاهیم ماهوی و مفاهیم اعتباری. اعتباری یعنی نسبی و قراردادی. علوم اعتباری علومی هستند که احکام آن‌ها قراردادی است. (<https://fa.wikifeqh.ir/> تابستان ۱۴۰۲)

۱۳- رویکردهای گوناگون از این جهت به وجود آمده‌اند که اهداف، انتظار و نتایج گوناگون از مطالعه معماری در حوزه‌های مختلف وجود دارد. این رویکردها ذیل عنوان «روش‌های پژوهش در معماری» معرفی و جایگاه سبک‌شناسی در آن بررسی شده است. همچنین ذیل عنوان «تبارشناسی سبک» حوزه‌های کاربرد این رویکرد در علوم مختلف آورده شده است (ندیمی و دیگران، ۱۳۹۸).

- ۱۴- در ارائه این تعریف و گزینش واژه‌های مناسب از میان واژگان بسیار این حوزه سعی شده نکات زیر رعایت گردد:
- از مفاهیمی استفاده می‌شود که برای مخاطب روشن باشد. نباید کلماتی بکار رود که از «معرف»، یعنی آنچه قصد تعریف آن است، مبهم‌تر باشد.
 - از مفاهیمی استفاده می‌شود که با مفهوم مجهول تعریف موردنظر ارتباط داشته باشد.
 - مفاهیمی که در تعریف به کار برده می‌شود به گونه‌ای هستند که همه یا بخشی از محتوای درونی یعنی حقیقت مفهوم مجهول را دربر می‌گیرند.
 - از مفاهیم و کلمات عام و کلی‌تر شروع و به مفاهیم جزئی‌تر می‌رسد.
 - مجموعه کلماتی که باهم ترکیب می‌کنیم، یعنی «معرف» باید به گونه‌ای باشد که به طور کامل همه موارد و مصادیق مجهول تعریف موردنظر را دربرگیرد (عالمی، ۱۳۹۴).
- ۱۵- quiddity (برجانیان، ۱۳۷۳: ۷۱۹)
- ۱۶- personality
- ۱۷- parameter
- ۱۸- measure, index
- ۱۹- criterion
- ۲۰- Chronology
- ۲۱- تاریخ ساخت و تغییرات باید بر اساس اسناد و مدارک مستدل باشد.
- ۲۲- در مباحث فلسفی برای هر پدیده و معلولی، علتی قایل می‌باشند. این چهار سؤال برای اولین بار توسط ارسطو پرسیده شد و به علت‌ها یا تبیین‌های چهارگانه ارسطو مشهور گردید (سالم، ۱۳۹۲).
- ۲۳- به عنوان مثال می‌توان به کتاب «حس وحدت» اشاره کرد که دو نویسنده آن، نادر اردلان معمار و شهرساز و لاله بختیار پژوهشگر حوزه فلسفه و اسلام‌شناس می‌باشند.
- ۲۴- Field
- ۲۵- «محیط مادی کارمایه‌ها و نقش‌های اصلی را فراهم می‌سازد» (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۲۴).
- ۲۶- الهام معماری از طبیعت را به سه صورت می‌توان دسته‌بندی نمود: الگوبرداری، تضاد و تکمیل در هماهنگی با آن.
- ۲۷- یکی از عواملی که «خصلت فرهنگ در نتیجه کیفیت هنر او را معین می‌کند، خصلت واکنش در برابر عوامل جغرافیایی است» (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۲۶).
- ۲۸- «تصویری روشن از مبانی فکری و عرف در ساخت‌وساز در دست نیست. تعریف معیاری برای ارزیابی کیفیت هر ساختمان نیازمند آن است که محیط بلافصل آن ساختمان از روی بناهای مربوط به آن بازشناخته شود. آیا می‌توانیم با اطمینان بگوییم که در زمان ساخت هر کدام از بناهای بلندآوازه در معماری اسلامی منظور از فضای معماری در نزد مردم آن عصر چه بوده است؟» (هولد، ۱۳۷۸: ۲۵).
- ۲۹- «روش‌های سازه‌ای سرنخ‌های ارزشمندی برای تاریخ‌گذاری به شمار می‌آیند» (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۱۹).
- ۳۰- «همان گونه که تکامل موجودات زنده بر پایه‌ی تکثیر واحدهای اطلاعاتی موجود زنده به نام ژن استوار است تکامل فرهنگی هم مبتنی بر تکثیر واحدهای اطلاعاتی فرهنگی که یاده (Meme) خوانده می‌شود است» (Harari, 2014: 249).
- ۳۱- «طراحی نقشه و فن سازه خودشان محصول و عمدتاً در سیطره عوامل فرهنگی‌اند. این عوامل نه تنها مسئله را مطرح و ویژگی بناهای موردنیاز و کارکردهای آن را تعریف می‌کنند، بلکه به میزان زیادی روش‌های به کاررفته را نیز در آن مقرر می‌دارند» (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۱۹).
- ۳۲- شناخت ویژگی‌های یک «اثر» هنری ماندگار نیازمند شناخت مشخصه‌های یک «اندیشه» است (اشرافی و نقی‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۸).
- ۳۳- System
- ۳۴- پوپ آن را به صورت «معماری درواقع استحکام، آسایش و لذت است» ذکر نموده است (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۲۰).
- ۳۵- برگرفته از سه شرط ویتروویوس برای معماری: «بناها باید با توجه به دوام (Firmitas)، آسایش (Utilitas)، و زیبایی (Venustas) ساخته شود» (ویتروویوس، ۱۳۸۸: ۲۵).

۳۶- چینگ این ساماندهی‌ها را Order می‌خواند (Ching, 2015).

۳۷- در دو کتاب باب کرایر به تفصیل این نوع دسته‌بندی شرح داده شده است:

Krier, rob.1988. Architectural Composition, London: Academy Editions.

Krier, rob.1983. Elements of Architecture, London: Architectural Design.

۳۸- مداخلات در یک بنا می‌تواند وجوه آن را «تضعیف، تثبیت، تکمیل و یا تحویل» نماید. (عباسی هرسته ۱۳۹۴: ۱۶)

منابع

- ابوعلی سینا، شیخ الرئیس. (۱۳۸۹). قانون جلد اول. ترجمه عبدالرحمن شرف‌کندی. تهران: سروش.
- ابوبی، رضا و نیک‌زاد، ذات‌الله. (۱۳۹۶). حفاظت معماری و نسبت آن با تاریخ معماری، با نگاه به تجربه‌ی حفاظت ایران. مطالعات معماری ایران. ۱۱، ۱۶۹-۱۸۸.
- اشراقی، نسیم و نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۴). مقایسه تطبیقی فرایند شناخت و آفرینش- با تبیین جایگاه «حقیقت» و «ایده»- در هنر و معماری غربی و اسلامی. هویت شهر. سال نهم. ۹(۲۳)، ۳۷-۴۶.
- الالوسی، عادل. (۲۰۰۳). روائع الفن الاسلامی. ریاض: علم الکتب.
- بریجانیان، ماری. (۱۳۷۳). فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهار، محمد تقی. (۱۳۵۵). سبک شناسی ۳ جلد. تهران: امیرکبیر.
- پوپ، آرتر، و اکرم، فیلیس. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. ویرایش زیر نظر سیروس پرهام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۴۷). سبک‌شناسی معماری ایران. باستان‌شناسی و هنر ایران، ۱، ۴۳-۵۴.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۴). سبک‌شناسی معماری ایرانی. تدوین غلامحسین معاریان. تهران: سروش دانش.
- تجویدی، اکبر. (۱۳۴۵). سهم ایرانی در پیدایش معماری اسلامی در قرن اولیه هجری. نشریه هنر و مردم. ۴۷، ۲-۸.
- حیدری دلگرم، مجید. (۱۳۹۵). سبک‌شناسی معماری ایرانی در دوره اسلامی. بمانیان، محمدرضا. دانشگاه تربیت مدرس.
- حیدری، علی اکبر؛ تقی پور، ملیحه و عماد، فاطمه. (۱۴۰۱). مقایسه تطبیقی مساجد سبک‌های مختلف معماری ایرانی اسلامی بر مبنای مفهوم سلسله‌مراتب. پژوهش‌های معماری اسلامی. ۱۰(۳)، ۴۲-۶۸.
- خاتون‌آبادی، افسانه. (۱۳۹۴). مقایسه سبک‌شناختی معماری مساجد ایرانی و شعر فارسی. پژوهش‌های معماری اسلامی. ۳(۹)، ۴۹-۶۶.
- دوفرن، میکال. (۱۳۸۶). سبک. ترجمه: احمد سمیعی گیلانی. نشریه نامه فرهنگستان. ۲۱، ۸۶-۱۰۲.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران و روزنه.
- رحیم‌زاده، محمدرضا. (۱۳۸۴). واژه‌شناسی تاریخ هنر، گلستان هنر، ۱، ۵۵-۵۹.
- ساعتچی، محمود. (۱۳۷۴). روانشناسی کاربردی برای مدیران. تهران: نشر ویرایش.
- سالم، مریم. (۱۳۹۲). علیت ارسطویی یا تبیین ارسطویی. معرفت فلسفی. ۱۱(۱)، ۸۵-۱۰۴.
- سانتاگ، سوزان. (۱۳۹۹). علیه تفسیر. ترجمه: مجید اخگر. تهران: بیدگل.
- سجادی، سیدجعفر. (۱۳۳۸). فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی. تهران: چاپخانه سعدی.
- سجادی، سیدجعفر. (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۱). نقد کوتاه بر کتاب سبک‌شناسی معماری ایرانی. تهران: چهارطاق.
- سیدی ساروی، مجید؛ پورمند، حسن علی و ابوبی، رضا. (۱۳۹۷). تبیین الگوی سبک‌شناسی معماری اسلامی (با نگاه به آراء سنت‌گرایان). معماری اقلیم گرم و خشک، ۶(۸)، ۱۰۱-۱۱۷.

- شرودر، اریک. (۱۳۸۷). دوره سلجوقی. در کتاب سیری در هنر ایران زیر نظر آرتور پوپ و فلیس اکرمین. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی. ۱۱۹۳-۱۲۵۰.
- شفر، ریچارد. (۱۳۹۱). فرهنگ فشرده جامعه شناسی. ترجمه حسین شیران. تهران: جامعه‌شناسی شرقی.
- عالمی، روح‌الله. (۱۳۹۴). منطق سال سوم دبیرستان رشته ادبیات و علوم انسانی. تهران: آموزش و پرورش.
- عباسی هرفته، محسن. (۱۳۹۴). شرحی بر سنت حفاظت معماری در ایران. یزد: دانشگاه یزد.
- عبدالله‌زاده، محمدمهدی. (۱۳۸۹). فرار از مدرسه بررسی احوال و آثار محمدرکیم پیرنیا از منظر تاریخ پژوهی معماری ایران. قیومی بیدهندی، مهرداد. دانشگاه شهیدبهشتی.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۷۷). سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو. تهران: جامی.
- غیائی، محمدتقی. (۱۳۷۳). سیر تحول سبک‌شناسی. پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۱، ۴۹-۶۸.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۷). تکنولوژی مرمت معماری. تهران: موسسه علمی و فرهنگی فضا.
- فولادی‌نسب، کاوه و کهنسال‌نوده‌ی، مریم. (۱۳۹۶). سرگذشت معماری در ایران. تهران: افق.
- فیضی، هاجر. (۱۳۹۳). اگزیستانسیالیسم در داستان بیگانه آلبر کامو و مدیر مدرسه جلال آل احمد. دومین همایش ملی ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی. ۱۲۸۹-۱۳۱۰.
- قبادیان، وحید. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تهران: موسسه علم معمار.
- قیومی بیدهندی، مهرداد. (۱۳۸۴). بررسی انتقادی چهار تاریخ نامه معماری ایران. خیال هنر و معماری. ۴، ۱۵-۳۷.
- قیومی بیدهندی، مهرداد. (۱۳۸۶). دشواری‌های مطالعات تاریخی معماری ایران و پدیده‌ی سید باقر شیرازی. گلستان هنر. ۸، ۶-۵.
- قیومی بیدهندی، مهرداد، و عبدالله‌زاده، محمدمهدی. (۱۳۹۱). بام و بوم و مردم بازخوانی و نقد اصول پیشنهادی پیرنیا برای معماری ایرانی. مطالعات معماری ایران. ۱، ۷-۲۳.
- کاتانو، جیمز و. (۱۳۸۴). سبک‌شناسی. ترجمه فرزین قبادی. نشریه نامه فرهنگستان، ۲۸، ۱۱۲-۱۲۱.
- کوشکی، مینا و افتخاری، یوسف. (۱۳۹۵). معماری ایران باستان. تهران: دایره دانش.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۷۹). معماری ایران دوره اسلامی. تهران: سمت.
- گدار، آندره. (۱۳۸۴). آثار ایران. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. تهران: آستان قدس رضوی.
- لطفی‌زاده، شهین. (۱۳۵۹). شیوه‌های معماری ایران: شیوه خراسانی. اثر. ۱، ۱۰۸-۱۲۲.
- ماینر، ورنر هاید. (۱۳۹۰). تاریخ تاریخ هنر. ترجمه مسعود قاسمیان. تهران: فرهنگستان هنر.
- مظفر، فرهنگ؛ هادی ندیمی، و صالحی، ابودر. (۱۳۹۵). هویت مکان‌های تاریخی در بستر تغییر؛ تحقیق در مبنای نظری مواجهه هویت مکان‌های تاریخی با تغییر. مرمت و معماری ایران. سال ششم. ۶ (۱۱)، ۱-۱۲.
- معاریان، غلامحسین. (۱۳۹۹). معماری ایرانی دستگاه شناسی. تهران: گلجام.
- معین، محمد. (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی. تهران: سرایش.
- مهدوی‌عارف، محمد و هاشمی‌فشارکی، سیدجواد. (۱۳۹۵). مبانی، کارکردها و ویژگی‌های مساجد. تهران: وانی.
- ندیمی، هادی. (۱۳۸۶). کلک دوست ده مقاله در هنر و معماری. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- ندیمی، هادی؛ ابوتی، رضا و مرادی، زینب. (۱۳۹۸). تبیین مفهوم سبک‌شناسی معماری با معرفی رویکرد جدید در سبک‌شناسی معماری ایران (با انگیزه حفاظت معماری). معماری اقلیم گرم و خشک. ۷ (۱۰)، ۱-۲۹.
- نیازمند، نیما. (۱۳۹۷). سبک‌شناسی و دوران تاریخی معماری ایران. تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
- نیک‌زاد، ذات‌الله، و ابوتی، رضا. (۱۳۹۸). تاریخ‌نویسی معماری ایران در خلال تجربه‌های مرمتی نیمه نخست سده چهاردهم شمسی. معماری و شهرسازی. ۲۴، ۹۵-۱۰۹.
- ولک، رنه، و آستن وارن. (۱۳۸۹). نظریه ادبیات. ترجمه ضیا موحد و پرویز مهاجر. تهران: نیلوفر.
- ویتروویوس، پولیو. (۱۳۸۸). ده کتاب معماری. ترجمه ریما فیاض. تهران: دانشگاه هنر.
- ویلبر، دونالد. (۱۳۴۶). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان. ترجمه عبدالله فریار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- هولد، رناتا. (۱۳۷۸). جستجوی تعریف هنر معماری در دوره‌ی اسلامی. ترجمه فرزین فردانش. رواق. ۴، ۲۵-۳۴.

- یوسفی، حسن؛ نیستانی، جواد؛ هژبر نوبری، علیرضا و موسوی کوهپر، سید مهدی. (۱۳۹۶). وحدت هنری یادمان‌های آرامگاهی مدور سبک آذری (نواحی اران و آذربایجان) در سده های ۸ تا ۹ هجری. اندیشه معماری. ۱ (۲)، ۳۰-۴۶.

- Brandi, Cesare. (2004). Theory of Restoration I. in *Historical and Philosophical Issues in the Conservation of Cultural Heritage*. 230-235. Washington D.C: the J. Paul Getty Trust.
- Bucher, Ward. (1996). Dictionary of Building preservation, Published by John Wiley & Sons, Inc, New York.
- Ching, Francis D.K. (2015). Architecture Form, Space, and Order. New Jersey: John Wiley & Sons, Inc, Hoboken. simultaneously in Canada.
- Davies, Nikolas, Jokiniemi, Erkki. (2008) Dictionary of Architecture and Building Construction, Elsevier Ltd. USA .
- Fielding, Roy Thomas. (2000). Architectural Styles and the Design of Network-based Software Architectures, University of California Irvine.
- Gombrich, Ernst H. (1968). Style In International Encyclopedia of the Social Sciences, edited by Sills, David L. New York: Macmillan.
- Harari, Yuval Noah . (2014). Sapiens A Brief History of Humankind, UK: Harvill Secker.
- Harris, Cyril M. (1975) DICTIONARY OF ARCHITECTURE & CONSTRUCTION, First edition: America.
- <https://fa.wikifeqh.ir> (aug 2023)
- <https://www.icomos.org/en/resources/publicationall/icomos-bookshop/116-english-categories/resources/publications/236-monumentsasites-i> (Nov 2024)
- Leach, Andrew, Delbeke, Maarten, Macarthur, John. (2015). The Baroque in Architectural Culture, 1880-1980, Ashgate Publishing, Ltd.
- Madrazo, Leandro. (1995). The concept of type in architecture, An Inquiry into the Nature of Architectural Form. Unpublished PH.D's Thesis, Swiss Federal Institute of Technology, Zurich, PH.D.
- Matsumoto, David, (2009). The Cambridge Dictionary of Psychology. UK: Cambridge University.
- Oxford, (2003) The Concise Dictionary of Archaeology.
- Zhu, Hong. (2005). Software Design Methodology: From Principles to Architectural Styles, Butterworth-Heinemann.

Original Research Article

Presenting an operational definition of Iranian architectural stylistics with the approach of architectural conservation: Extraction of stylistic measures based on mosque architecture

Zeinab Moradi^{1*}, Reza Abouie²

1- Instructor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

2- Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Yazd University, Yazd, Iran.

 10.22034/AHDC.2025.20577.1768

Received:
May 16, 2024

Accepted:
December 7,
2024

Keywords:
Iranian
architecture,
Stylistics,
architectural
history,
Conservation
and restoration
in architecture,
Mosque
architecture

Abstract

From the viewpoint of experts, one of the major problems of conservation on Iran is inattention to the importance of the complete understanding of architecture conservation, due to the lack of a specific, logical and practical approach. In the process of understanding architecture, we are faced with different levels, the understanding of each of which can be checked using an independent method. This layer-by-layer recognition, which is done at different levels, will not lead to chaos and contradictory results when it follows a methodical pattern. In the field of architectural conservation, any type of decision for intervention requires a comprehensive understanding in terms of its amount and type. Therefore, this article introduces a methodical model of stylistics to define the style of Iranian architecture, reach a new approach with the concern of the field of architectural conservation, and expand this definition. It proposes some practical steps for the operationalization of stylistics and introduces criteria from the suggested stylistic measure. Due to its multi-generational nature, the research style of this article is interdisciplinary. The search is qualitative and interpretive because it seeks evidence that challenges the existing definitions of style. This research is done in a comparative way by library and field methods so as to review and explain the definitions and views about style as well as look at historical buildings. In terms of purpose, the research is theoretical-applied. At the beginning, the article carefully examines the sources on the history of art and architecture, and then examines the views of experts on style and stylistics and the existing theoretical and operational definitions of them. This is done in order to evaluate, analyze and discuss the challenges of these definitions, especially for their expansion in the history of the Iranian architecture. The knowledge that comes from this definition of the building, in addition to the possibility of classifying the history of architecture, leads to the identification of the current state of the building from different aspects. This recognition allows a more correct evaluation of conservation. The findings indicate that various stylistic criteria have existed in art and architecture up to the present day. One of the achievements of this study is the extraction of these criteria in six groups. Moreover, the genealogical analysis of style revealed that this concept is a conventional one, which can have a specific theoretical and operational definition in line with its purpose. Therefore, style can be determined based on the current condition of the building to assist in conservation decision-making. With this approach for evaluating mosques, eight indicators were proposed, including spaces, urban role, interventions, building materials, construction technology, decorations, forms, and the organization of elements and spaces. These indicators are used as tools to identify styles.

